زنجیر روی زمین اتحاد

پیکار خلق

۶۱

یکشنبه ۲۵ آبان ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

یادداشتی بر نتایج انتخابات آمریکا

امپریالیسم (سرمایه‌داری انحصاری) دوران بحرانی را طی می‌کند. از جمله خصائص سرمایه‌داری انحصاری کنونی دوران پوسیدگی و بحران‌زائی روزانه‌اش می‌باشد. عصر امپریالیسم، عصر رقابت امپریالیستها بر سر کسب منافع حداکثر است. برای برآوردن چنین هدفی هر یک از دول امپریالیستی که موفق گردد بازارهای مصرف و تولید را بویژه در کشورهای عقب نگه داشته شده بخود اختصاص دهد، بر رقیب دیگر امپریالیستی پیشی جسته است و می‌تواند در منطق سرمایه‌داری حرف آخر را بزند. هر دولت امپریالیستی برای قوی ماندن در مقابل رقبایش و سرکوب جنبشهای آزادیبخش احتیاج به صرف بودجه کلان در صنایع اسلحه سازی دارد. بنابر این برای برآوردن مقاصد اقتصادی چه در مقابل رقبا و چه برای حفظ قدرت در کشورهای زیر دست، به سیاستمدارانی هم نیازمند است که بتوانند چنین عملی را در پارلمانهای بورژوازی و محافل متعلق باو توجیه نمایند و تنظیم کنند. چنین جناحی در

بقیه در صفحه ۳

چپاول زحمتکشان بهانهٔ جنگ

نتایج جنگ خانمان برانداز و ارتجاعی ایران و عراق هرروز بیشتر از روز پیش ملموس میگردد. تشدید گرانی، فقر، بیکاری، بی خانمانی و ..... از جمله عوارضی است که در اثر جنگ گریبان زحمتکشان میهنمان را گرفته است. حکومت جمهوری اسلامی که خود نیز در دامن زدن به این جنگ ناعادلانه دست بالائی دارد، میکوشد تا افکار عمومی را به جنگ متوجه ساخته و از مشکلات و نابسامانیهای درونی که حتی قبل از جنگ نیز بعیان وجود داشته اما جنگ سبب تشدید آن شده است، منحرف سازد. بارها گفته ایم که جنگ ناعادلانهٔ کنونی برای خلقهای دو کشور سودی بهمراه ندارد. بحران اقتصادی و تحمیل آن بر دوش زحمتکشان این استدلال رابشبوت میرساند.

اخیراً مسئلهٔ جیره بندی کالاها و اجناس مورد نیاز مردم از سوی حکومتگران

بقیه در صفحهٔ ۲

جنگ و تقتیش در بیمارستانها

هرروز بر تعداد قربانیان جنگ خانمان برانداز و ارتجاعی دولتهای ایران و عراق افزوده میگردد. بیمارستانهای سراسر ایران مملو از زنان و مردان و کودکانی است که بر اثر بمباران‌های هوائی ارتش عراق، علاوه بر خسارات مالی، صدمات جانی نیز دیده اند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی هرروز ضمن مصاحبه با افراد مصدوم که اکثراً ارتشیان و پاسداران هستند، میکوشد چنین القاء کند که گویا مردم از جنگ رضایت دارند و حتی اگر هم زخمی شوند حاضرند پس از مداوا دوباره به جبههٔ جنگ بازگردند. دیدیم که چگونه سرهنگ مؤذن چندین شب پشت هم برصفحهٔ تلویزیون ظاهر میشد و با برنامه ای حساب شده اراجیفی ردیف میکرد و بقول معروف نان تبلیغاتی حکومت را می‌پخت. حکومت میخواهد با اینگونه تبلیغات برتوهم توده های ناآگاه دامن بزند و آنانرا

بقیه در صفحهٔ ۵

ثروتها از یک جیب به جیب دیگر میروند

ص ۵

باز هم دستگیری و بند

زاهدان ـ دادگاه "انقلاب" اسلامی زاهدان که افراد فاسدی در رأس آن قرارگرفته اند، در هفتهٔ گذشته هوشنگ سرابندی را به اتهام "همکاری با گروههای

بقیه در صفحهٔ ۵

سعادتی آزاد باید گردد

حکومتگران دست نشاندگان رژیم پهلوی را بعناوین مختلف آزاد می‌کنند.
حکومتگران قصد آزادی جاسوسان آمریکائی را دارند.
حکومتگران با سیاستهای خائنانهٔ خود ایران را محل تاخت و تاز جاسوسان بلوک غرب و شرق نموده اند.
اما **سعادتی** مجاهد ضد امپریالیست را به محاکمه می‌کشند.
از چنین حکومتی "ضد امپریالیست" جز این هم انتظاری داشتن خطاست.
ما ضمن محکوم کردن محاکمهٔ سعادتی، خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری او هستیم

سرسپردگان رژیم شاه در ارگان های رژیم جمهوری اسلامی لانه کرده اند

ص ۴

مرگ بر امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

چپاول ...

طرح ریزی شده و بدنبال آن کوپنهائی در میان مردم تقسیم شده است . اما هدف از این جیره بندی چیست و آیا براستی دلسوز مردم شده اند که بموقع و براحتی مایحتاج خود راتهیه نمایند یامنافع خاص حکومت در آن نهفته است ؟

رژیم جمهوری اسلامی که بالاترین بودجه رابه تجهیزنظامی اختصاص داده است ، اکنون باکمبود بودجه روبرومیباشد ، لذا باهزارویك حقه میخواهد آنراجبران سازد وطبیعی است که چون خود حافظ منافع سرمایه داران است هیچگونه تحمیلی برآنهاروانمیدارد ، بلکه می خواهد بعناوین مختلف به چپاول مردم زحمتکش بپردازد و البته همهٔ حقه هانیزدر خدمت سرپانگهداشتن حکومت خود میباشد . جیره بندی نیز اکنون یکی ازطرق چاپیدن مردم است . حکومت جمهوری اسلامی خود میداند که قادربه برطرف ساختن بحران اقتصادی ، بیکاری ، گرانی وغیره نیست و نیز می بیند که صدای اعتراض مردم بخاطرماندن درصفهای طولانی تهیهٔ ارزاق عمومی بگوش میرسد و این نارضایتی مردم هم برای وی بسیار گران تمام میشود ، لذا میخواهد بطریقی ازشدت مبالغی بجیب زده و برای تهیهٔ اسلحه ومهمات فراهم سازد و ازسوی دیگرسرمردم راشیره بمالد . بهمین جهت طرح جیره بندی را عنوان میکند ووانمود میسازد که درفکرمردم است بدین ترتیب هرخانواده ای میبایستی درازای دریافت کوپن ۲۰ ریال بپردازد . حال اگر بطورمتوسط ۹ میلیون خانوادهٔ ۴ نفره رادر نظر بگیریم ، می بینیم که تنها ۱۸ میلیون تومان درمقابل دادن کوپن نصیب جمهوری اسلامی گردیده است . البته این امربدین جاختم نمیگردد ، چه درمقابل دادن کوپن بنزین نیز مبالغ هنگفتی بجیب حکومت سرمایه داران رفته است . این مبالغ حکم مالیاتهائی رادارد که مستقیماً بحساب دولت واریز میشود . برستی حکومت که خود راطرفدار "مستضعفین" قلمداد میکند ، چرااز "مستکبرین" مالیات نمیگیرد وتازه بعناوین مختلف بدهکاری مالیاتی آنهارامی بخشد . کدام تاجرگردن کلفت بازار ، کدام کارخانه دار و کدام محتکردست بالا مالیات های خود رابطورکامل پرداخت کرده است ؟ پس می بینیم که هرچه فشاراست برد وش زحمت کشان تحمیل میشود و بس .

ازاین مالیاتهای مستقیم که بگذریم میرسیم به مسئلهٔ تشدیدگرانی .

امروز زحمتکشان مابعیان می بینند که همهٔ اجناس موردنیازشان راباید باقیمتهای بسیاربالاتهیه کنند . این گرانی حتی شامل اجناسی میشود که درانحصاردولت میباشد . ازجمله شاهد بودیم که دست اندرکاران حکومت مدتی بااحتکارسیگار یك نوع کمبود مصنوعی ایجادکرده و سپس سیگارهای مختلف رابه قیمت دوبرابربه بازارعرضه نمودند . مسئلهٔ بنزین نیز امری است که چپاول حکومت رابه عیان نشان میدهد . حملهٔ ارتش عراق به پالایشگاههای ایران وسیله ای شددردست حکومت تاابتدابنزین راجیره بندی کرده و سپس بانرخ سه برابرد راختیارمردم قرارداد گرانی بنزین برای گردن گلفتهاچندان تفاوتی ندارد و بردوش حکومتگران که ماشینهای آخرین مدل بزیرپادارند و بنزین آنراهمحتی مجانی دراختیاردارند ، تحمیل نمیشود ، اما زحمتکشان چه ؟ زحمتکشی که یك وانت بارهمه هستی او راتشکیل میدهد و تنهاوسیلهٔ معیشت اوست ، چگونه میتواند بنزین رالیتری ۳۰ ریال بخرد ؟ فردی که بایك موتورسیکلت امرار معاش میکند ، چگونه میخواهد ۳۰ ریال برای هرلیتربنزین بپردازد ؟ تاکسیرانان زحمتکش که ازطریق مسافرکشی زندگی میکنند و به بنزین بسیارنیازمند هستند ، بارگرانی بنزین راچگونه میتوانند تحمل کنند ؟ بیهوده نیست که پس از اعلان گران شدن بنزین ، حکومت خود رابا موج اعتراض واعتصاب تاکسیرانان و رانندگان وانت بارسراسرکشورمواجه دید . حکومت به خاطراینکه این موج رافرونشاند دست بحقه‌ای زدکه برای رانندگان زحمتکش روشده است و آن اینکه مابه التفاوت بنزین رابه تاکسیرانان و صاحبان وانت باربپرداخت خواهدکرد . البته تاکسیرانان بخاطرد ارند که پس ازگران شدن بنزین ازلیتری ۶ ریال به ۱۰ ریال ، قراربود مابه التفاوت آن پرداخت شود اما ازفروردین ۵۹ تاکنون آنهاحتی یك ریال هم ازدولت دریافت نکرده اند . بدین ترتیب حکومت می خواهد باقولهای فریبنده و وعده های سرخرمن از مبارزات تاکسیرانان که درطی دوسال گذشته بارهاشاهدآن بوده ایم و حتی هنوز کشتارتاکسیرانان ازیادهانرفته است ، جلوگیرد . درهفتهٔ گذشته اعتصاب رانندگان تاکسی و وانت باردرتهران ، شیراز ، زنجان ، تبریز بوقوع پیوست . حکومتگران که دیدند با وعده و وعید نمیتوانند صدای اعتراض راخاموش سازند به تهدید متوسل شدند . ازجمله پس ازآنکه رانندگان تاکسی ووانت باردرشیراز دست باعتصاب زدند ، دادگاه "انقلاب" اسلامی شیرازطی اطلاعیه ای نوشت "باین عدهٔ معدود رانندگانی که جدا ازصنف رانندگان تاکسی و تاکسی بارمیباشند اخطارمی گردد سریعاً دست ازکم کاری ..... برداشته و درغیراین صورت آنهادستگیرو تحویل دادگاه زمان جنگ خواهند شد" . (اطلاعات یکشنبه ۱۸ آبان ۵۹) دادگاه انقلاب شیراز دراین اطلاعیه شگرد حکومت شاه را که وارث آن شده بکاربرده است . چه بخاطرداریم که رژیم شاه نیزبهنگام اوجگیری مبارزات مردم دلیرایران وانمود میساخت که مردم ایران کاری نمیکنند ، بلکه اینها از "خارج از مرزهاآمده اند" و "آشوب" برپا کرده اند . حال نیزحکومتگران برای اینکه اعتصاب رانندگان زحمتکش رابخون کشیده و دستگیری و بزندان انداختن آنهارابه اصطلاح موجه جلوه دهند ، ارثیهٔ محمدرضا شاه راپاس میدارند ووانمود میسازند که عده ای دیگرخارج ازصنف رانندگان تاکسی و وانت باردرون نفوذکرده و کم کاری براه انداخته اند . امامردم مافریب این تبلیغات دروغین رانخواهندخورد ورانندگان زحمتکش بدون واهمه ازتهدیدها به مبارزهٔ خود ادامه خواهندداد . جالب است که رجائی طی یك مصاحبهٔ تلویزیونی درشب پنجشنبه ۲۱ آبان ۵۹ طوری صحبت کرد که گویانرخ بنزین ابدا گران نشده است و تازه صاحبان اتومبیل این مابه التفاوت راازمدت هاپیش به "بیت المال" بدهکاربوده و لابد "حق" دارد بگوید گذشته را" بخشیده ایم" اما ازحالا ببعد باید کامل بپردازید" اما چپاول حکومت دراینجاخاتمه نمی یابد . درطی مدت جنگ مبالغی از حقوق کارمندان کارگران ، بدون موافقت آنهاو حتی گاهاً بدون پرسش ازآنها ، کم و ظاهراً برای جنگ زدگان جمع آوری شده است . امابرای کدام جنگ زدگان ؟ آنهائی که خانه و کاشانهٔ خود را ترک کرده اند ، تاکنون کدام مبلغ رادریافت داشته اند ؟ حکومت بنام جنگ زدگان از طریق حسابهای گوناگون و برداشت ازحقوق کارگران و کارمندان مبالغ کلانی جمع آوری میکند ولی از سوی دیگرگروههای فشاررابرای

بقیه در صفحهٔ ۴

جنگ نا عادلانه سرمایه داران ایران وعراق رابه جنگ آزادیبخش خلقها تبدیل سازیم

ارسیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

یادداشتی ...

آمریکا بنام حزب جمهوری خواهان معروف می باشد. گذشته از این امپریالیسم برای بگرد ش در آوردن صنایع احتیاج به مواد سوختی دارد و موادی چون نفت، ذغال سنگ در انحصار کارتلها و تراستها قرار دارند. کارتل داران نفتی برای خود هم دارای تشکیلات سیاسی هستند که بتواند هدفهای اقتصادی این جناح از سرمایه داران را در پارلمانهای بورژوازی و دیگر محافل جوابگو باشد. این جناح در آمریکا بنام حزب دمکرات معروف می باشد. این تقسیم بندی که بیان شد شکل کلی سرمایه داران در کشور امپریالیستی آمریکا می باشد. پنداشت ساده لوحانه خواهد بود، اگر تصور شود که کارتل داران نفت و کارتل داران صنایع سنگین و نظامی هر یك فقط در بخشهای فوق الذکر مشغول فعالیت هستند. با دقت بیشتری در بافت اقتصادی کشور امپریالیستی آمریکا روشن میشود که هر کدام از این جناحها سعی نموده اند که در بخشهای همدیگر نفوذ کرده و سرمایه گذاری بنمایند. بنا براین هر جناح سرمایه داری در آمریکا علاوه بر اینکه مثلاً عمدتاً در رشته های وابسته به نفت، انحصارات را بوجود آورده اند، در رشته‌های صنایع سنگین و نظامی صاحب نفوذ هستند و برعکس.

باید توجه داشت که سرمایه داران در عین اینکه در ظاهر بسیار متحد بنظر میرسند، اما زمانی که به قصد نفوذ در بخشهای اقتصادی تحت تسلط آنان از جانب سرمایه داران "خودی" و "غیر خودی" عملی انجام پذیرد، در میان آنان تضاد بروز می کند که بازتاب آنرا در جناحهای سیاسی بخوبی می توان تشخیص داد. حتی تا آنجائی که تاریخ سرمایه داری نوشته است در بین آنها منازعات خونین و در سطح وسیعتر جنگهائیکه بنام جنگهای جهانی معروف شده اند، بوقوع پیوسته است. مثلاً در آمریکا ابراهام لینکلن بوسیله جناح مخالف در آمریکا بقتل رسید کندی بدست جناح حزب جمهوریخواه کشته می شود افتضاح واتر گیت "که دعوای بین جمهوری خواهان و دمکراتها برای کسب قدرت سیاسی بود رسوا میشود و .....

جنگهای اول و دوم جهانی چیزی نبود جز دعواهای یك گروه از سرمایه داران جهانی بر علیه گروه دیگر. بحرانها و تورم در جوامع سرمایه داری از جمله امراض همیشگی این جوامع میباشد. هرگاه بحرانها شدت مییابند آن جناح از سرمایه داران تقویت میشوند که خواهان حل آن بحران با روشهای سریع و خونین هستند. اینچنین روندی را در جامعه امپریالیستی آمریکا بارها شاهد بوده ایم. زمانی که بحران در سالهای ۱۹۲۹ در آمریکا بوقوع پیوست و این کشور را با بیکاری، فقر، عدم گردش صنایع و تولید اتمواجه ساخت فوراً جناح هارتر سرمایه در آنجا حاکم گشت (جمهوریخواهان). در بحبوحه بحران جنگ کره و جنگ ویتنام با تناوبهای زمانی، جناح حاکم همان کسانی بودند که می خواستند بحران را سریع و هر چه خونین تر حل نمایند. در حال حاضر هم که انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا انجام شده است خارج از قاعده فوق نیست. نگاهی خیلی کوتاه به ارقام، سطح بحران را در آمریکا نشان میدهد. نرخ تورم در حال حاضر در کشور امپریالیستی آمریکا ۱۱٪ صعود نموده است. درصد بیکاران در آنجا ۸٪ است. در بخش فعالیتهای ساختمانی و مسکن سازی با رکود ۹٪ مواجه میباشند. بخش صنعتی بیش از ۱۱/٤٪ نسبت به سال پیش قوس نزولی پیموده است. کمبود موازنه پرداختها به بیش از ۲۹ میلیارد دلار رسیده است که پیش بینی افزایش تا ۳۵ میلیارد نیز میرود. چنین بحرانی اقتصادی خواه و ناخواه در توده های وسیع آمریکائی باعث نارضایتیهای فراوان می شود که هر دم میتواند نیروهای انقلابی را قویتر نماید.

هم چنین، چنین بحرانی باعث افت سرمایه داران آمریکائی خواهد شد. یك نکته در همینجا قابل ذکر است که در دوران ریاست جمهوری کارتر از حزب دمکرات، منافع کارتل داران صنایع نفت بچند برابر افزوده شد، اما در صنایع نرخ سود نسبت به صنایع نفتی نزول یافت. سرمایه داران و در اینجا سرمایه داران آمریکائی برای رسیدن بهدفهای استثمارگرانه خویش همیشه دو روش را که بیك هدف ختم میشده اند، دنبال نموده اند. حزب دمکرات همیشه با روش "سر بریدن با پنبه" یا بعبارتی سیاست گذارده است و برعکس جمهوریخواهان شمشیر پدست، تاخت وتاز در عرصه اقتصادی سیاسی را آغاز نموده اند.

کارتر با بمیان کشیدن "حقوق بشر"، "انتقاد" از کودتاهای خونین در شیلی و... "رسیدگی" به وضع سیاهان، توافق ظاهری با حل مسئله فلسطین، تقسیم "عادلانه" ثروت، "بالا بردن" سطح زندگی و.... بر اریکه قدرت تکیه زد و دیدیم که نه فقط آن نکرد که ادعا مینمود، بلکه کودتاهای آمریکائی در اینجا و آنجا بوقوع پیوست به وضع سیاهان رسیدگی نشد، تقسیم ثروت فقط بنفع سرمایه داران انجام پذیرفت، زحمتکشان آمریکائی به فقر و بیکاری تهدید شدند و غیره. ریگان با شعارهای عکس دمکراتها به ریاست جمهوری رسید. اما بحرانهای سرمایه داری را یا این یا آن شعار نمی توان از بین برد، ممکن است که بتوان تا زمان محدودی به آن دهنه زد، اما آنرا در قالب سیستم سرمایه داری نمی توان از بین برد. ریاست جمهوری ریگان نشانگر آنست که سرمایه داران آمریکائی روش خشن را برای حل بحرانهای درونی خود ازیك طرف و تصفیه حساب با سرمایه داران امپریالیستی کشورهای دیگر در پیش گرفته اند. امپریالیسم آمریکا در رقابتش با امپریالیستهای دیگر بویژه سوسیال امپریالیسم روسیه خود را یك پله دیگر به نائره جنگ جهانی امپریالیستی نزدیکتر نموده است. انتخاب ریگان بجای کارتر در آمریکا برای خلقهای زحمتکش ما تغییری در هدف اصلی اش نمی دهد. این هدف نابودی امپریالیسم در کل و سرمایه داران وابسته بآن است●

باز هم ...

مردم و افشاء چهره پلید خود، جلوگیرند همچنان افرادی راکه به افشاء حکومت و انتقال آگاهی به توده های زحمتکش از طریق اعلامیه های افشاگرانه، می پردازند، ببندند می کشند. در هفته ای که گذشت پاسداران ضد انقلاب دوتن را بنامهای علی زمردیان اهل رشت و سید احمد حسنی اهل مرودشت که در شیراز ساکن می باشند، به "جرم شایعه پراکنی" از طریق پخش اعلامیه های "مضره" دستگیر و تحویل زندان دادند. امروز بسیاری دیگر از فرزندان دلاور خلق در سیاهچالهای حکومت جمهوری اسلامی بسر می برند. برای آزادیشان بپاخیزیم●

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سرسپردگان رژیم شاه در ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی لانه کرده‌اند

پس از علم کردن "پاکسازی" از سوی حکومتگران، شاهد دعواهای جناحهای مختلف حکومتی بودیم. دیدیم که "پاکسازی" از سوئی یورش به انقلابیون و مبارزین را در ادارات و مؤسسات و کارخانه‌ها و مدارس را هدف خود قرار داده و در کنار آن از سوی دیگر وسیله‌ای برای تصفیه حساب جناحهای حکومت با یکدیگر شده بود. در این میان ضمن اینکه جناحهای حکومت بر سر تحقق کامل هدف اول "پاکسازی" با یکدیگر یکدل و یکزبان بوده و میکوشیدند گوی سبقت را از یکدیگر بربایند، در پیاده کردن هدف دیگر اختلافاتشان بالا گرفت تا بدانجا که در مطبوعات و مجلس فرمایشی، با هم به جنگ پرداخته و به افشاء یکدیگر پرداختند. هر یک میکوشند پته فردی را که تمایل به دیگری دارد به روی آب اندازد. اکنون با آنکه با استفاده از مسئله جنگ ظاهراً بر سر "وحدت" در میان خود تبلیغ میکنند، اما همچنان به رسوا ساختن یکدیگر مشغول می باشند. از جمله اینکه اخیراً در شهر بروجرد "کارگزار" سرپرست سابق هیات "پاکسازی" بروجرد که گویا خود نیز مشمول "پاکسازی" قرار گرفته است و از ظواهر امر چنین بر می‌آید که طرفدار جناح بنی‌صدر باشد، جلسه‌ای افشاگرانه در مسجد امام خمینی شهر برگزار ساخته و مشت آقای شهردار صادق گودرزی را بدین ترتیب باصطلاح باز می‌کند "از تیر ماه ۵۸ تا آخر بهمن ماه ۵۶ صادق گودرزی شهردار فعلی بروجرد نماینده روزنامه رستاخیز بوده و سی هزار و ۶۶۶ ریال به روزنامه منحله مذکور بدهکار است در همین رابطه دادستان انقلاب اسلامی خرم‌آباد، در تاریخ ۵۹/۵/۳۰ حکم جلب وی را صادر کرد، که او بعلت حمایت کافی، فرماندار بروجرد، تاکنون دستگیر نشده‌است" (اطلاعات یکشنبه ۱۸ آبان ۵۹) بدنبال این جلسه "افشاگرانه" "دادستان" "انقلاب" اسلامی بروجرد بدفاع از شهردار برخاسته و می‌گوید "این افشاگری نیست که در مسجد بروند و آبروی مردم را ببرند" و سپس اولتیماتوم می‌دهد که "اگر کسانی که افشاگری می‌کنند، دلیل و مدرک به دادگاه انقلاب ارائه ننمایند توقیف و بازداشت خواهند شد" (همانجا). بدین ترتیب در بروجرد نیز دعواهای دو جناح بازتاب می‌یابد. مهره‌های حکومتی کوشند با "افشاء" دیگر دست اندرکاران حکومت ماستِ رقیب را باصطلاح کیسه کرده و خود را تقویت نمایند، اما یک مسئله واضح و روشن است و آن اینکه سرسپردگان رژیم شاه در پستهای حساس بکار گمارده شده‌اند و در این میان نیز هر آن لحظه که احتمال لو رفتن آنان میرود، دادگاههای "انقلاب" ضمن تطهیر آنها، به بهانه در خواست مدارک و دلائل ضمن حمایت از عمال رژیم شاه، تصفیه را فیصله میدهد و بعد هم با اولتیماتوم توقیف و بازداشت میکوشد تا حریفان را از میدان بدر کند. انقلابیون میهنمان در طی یکسال و نه ماه گذشته بارها با اسناد و مدارک کافی به افشاء چهره خواران رژیم شاه پرداختند و اینکه با حمایت حقوقهای کلان به رژیم جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند و اینکه چسان این مزدوران بخاطر نفرتی که از انقلابیون راستین بدل دارند دست در دست حکام جدید به توطئه علیه

بقیه در صفحه ۶

به خیل عظیم بیکاران می پیوندند، بلکه حتی حقوقی راهم که وسیله امرارمعاششان بود، از دست می دهند و پس ازاین بایستی بسیار سخت تر از آنچه که تاکنون می زیسته اند، زندگی کنند.

ماشواهد گوناگون را ازآنجهت نقل کردیم که نشان دهیم چگونه حکومتگران به بهانه جنگ، مردم زحمتکش رابعناوین مختلف چپاول می کنند. بنابراین اگرمیگوئیم که عواقب وخیم جنگ ناعادلانه ایران وعراق بردوش زحمتکشان تحمیل میشود، به عبث نگفته ایم. شواهد و نمونه های فوق الذکرتنها بخشی از چپاولگری حکومت رابیانگری میکند ●

چپاول ...

تهاجم به جنگ زدگانی که بشهرهای دیگر مهاجرت کرده اند، هدایت میکند. وقاحت بحدی است که نمایندهٔ اصفهان درمجلس فرمایشی بدروغ میگوید که درمیان مهاجرینی که باصفهان آمده بودند، عده ای لباس "زننده" برتن داشته بودند که باجوّ مذهبی اصفهان متناسب نبوده و ازسوی دیگرصدای "ضد انقلاب" ازحلقوم آنان درمی آمد، این امر موجب درگیریها و مشکلاتی در اصفهان شد! وی میخواهد بدین ترتیب یورش جیره خواران حکومت رابه مردم هستی باخته، توجیه نماید. زهی بیشرمی. حکومت بسیارکوشید تامردم رابماندن درمناطق جنگی وادارد تا بخاطرمنافع آنهاکشته شوند و حتی آنان که شهررا ترک کرده، منتسب به "ضد انقلاب" شدند، امامردمی که میدانستند قربانی منافع سرمایه داران خواهند شد، ترک خانه وکاشانه راپیشه ساختند. فشارتبلیغاتی، فشار مالی راهم بدنبال داشت. ازجمله اینکه روابط عمومی نخست وزیری طی بخشنامه ای مقرر داشت که ادارات و مؤسسات دولتی به آنان که شهررا ترک کرده اند، اگرچنانچه خود رابه ادارات تابعه درشهرهای دیگر معرفی نمایند "..... حد اکثرمعادل دوسوم حقوق و مزایای مستمرماهانه که از ۲۵۰۰۰ ریال کمتر و از ۷۰۰۰۰ ریال بیشترنباشد فعلاً بطورعلی الحساب فقط برای یکبار ..... پرداخت نمایند ..." (جمهوری اسلامی ۱۹ آبان ۵۹) بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی ازحقوق مردمی که فشارجنگ بردوششان سنگینی می کند و درشهرهای دیگرهم بسختی زندگی می کنند، ازسوئی یک سوم به جیب می زند و طی این بخشنامه فقط پرداخت دو سوم حقوق رابه آنهاجایزمیشمارد و از سوی دیگربازکر "فقط یکبار" زمینه رابرای بالا کشیدن همهٔ درآمد آنهاآماده میسازد. درخرمشهرنیز باتعطیل شدن همهٔ کارها کارکنان (کارگران و کارمندان) ایران ترمینال ازکاربیکارشده و حتی بگفتهٔ معرفی زاده نماینده خرمشهردرمجلس "میخواهند این افراد راازکاربیرون کنند" (جمهوری اسلامی ۱۹ آبان) نتیجتاً اینکه این کارکنان نه تنها

زحمتکشان ایران وعراق را ازجنگ ناعادلانه رژیمهای ایران وعراق ثمری جز افزایش فقر، بی خانمانی، قحطی و ..... نیست!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

جنگ و ...

به شرکت در جنگ ارتجاعی ای که فقط خود را از آن بهره است، بکشاند و از کشته زحمت کشان پشته ها بسازد. اما همچنانکه جوّ نا-رضایتی در سرتاسر ایران اوج میگیرد و در کوه و کنار سرزمینمان زمزمه های مخالفت با این جنگ ارتجاعی بگوش میرسد، در بیمارستان-ها نیز بیماران جنگ زده زبان به شکوه و گلایه گشوده اند. این شکوه ها برای اقوامی است که با هزار و یک مکافات بدیدارشان می آیند. اما همچنانکه در سطح کل جامعه، حکومت با بگیر و ببند "شایعه سازان" و تشدید خفقان و جو پلیسی میکوشد از سرِ خواشدن خود جلوگیرد و نگذارد که مردم به این امر که جنگ برای زحمتکشان برکتی ندارد، آگاه شوند، در بیمارستانها نیز برای پرده پوشی از نارضایتی مصدومان جنگ دست به سیاستهای مرتجعانه ای میزند. بهمین جهت اخیراً اطلاعیه ای از سوی "ستاد رسیدگی به وضع مصدومین و مجروحین جنگ مستقر در وزارت بهداری و ستاد هماهنگی انجمنهای اسلامی بیمارستانها و سازمانهای تابعه این وزارت-خانه مشترکاً" صادر شده است مبنی بر اینکه "نظر به اینکه مشاهده شد افراد مشکوکی به اصطلاح عیادت از مجروحین جنگ با تبلیغات سوء خود و احیاناً پخش اعلامیه سعی در تضعیف روحیه این شهدای زنده انقلاب را دارند، کلیه اکیپ های بررسی و ملاقاتی موظفند با تأئید این ستاد و تحت کنترل انجمنهای اسلامی بیمارستانها بدیدار مجروحین بروند. بدین منظور انجمنهای اسلامی باید حداقل یک نفر را در تمام شبانه روز در بیمارستان مستقر نموده دفتری در یک محل مناسب و نزدیک به درورودی آماده کنند تا افراد و گروههائی که قصد بازدید از مجروحین را دارند راهنمائی شوند" (جمهوری اسلامی ۵ آبان).

براستی این عیادت کنندگان کیستند که این چنین مورد خشم دست اندرکاران حکومت قرار گرفته و برایشان جاسوس گماشته اند؟ عده ای کسانی هستند که خود نیز عواقب فلا-کتبار جنگ را به چشم می بینند و بهنگام ملاقات با بیمار جنگ زده، برای وی سخنها دارد از اوضاع نابسامان اقتصادی - سیاسی در همه شهرها، از اینکه گروه گروه مردم کشته میشوند و آنان که زنده اند نیز در وضع بسیار بدی بسر می برند، از اینکه حکومت خواهان جنگ است و مردم ناراضی از آن، از اینکه در فلان اداره و یا فلان مؤسسه فردی را که نسبت به جنگ ناعادلانه ابراز انزجار نموده است، به بند کشیده اند، از اینکه حکومتگران بار سنگین جنگ را بر دوش مردم می اندازند و برای خرید اسلحه و تقویت ارتش و پاسداران به طرق مختلف مردم را می چاپند، از اینکه ..... از همه آنچه که بیمار بستری در بیمارستان احتمالاً خبرش را دارد و بالاخره از دردهای مشترکشان که حکومتگران هرگز قادر به درمان آن نیستند. اما این درد دلها برای حکومت-گران خوش آیند نیست، چه دلایل نارضایتی در دل می افزاید. پس باید چاره ای اندیشید و آن البته بهتر از همه این است که جو پلیسی جامعه را به بیمارستانها نیز منتقل ساخته و بطریقی از تعداد ملاقات کنندگان کاست تا از انتقال مسائل جامعه بدرون بیمارستانها جلوگیرد و یا اگر حتی نتوانست اقوام بیماران را از ملاقات آنها باز دارد، اقلاً آنان را کنترل نقاط در این میان جاسوسان همیشه آماده، به خدمت گرفته میشوند. انجمنهای اسلامی که کارنامه سیاه و ننگینی در همه ادارات و مؤسسات و کارخانه ها دارند و از جمله در بیمارستانها نیز "رسالت" خود را - یعنی تفتیش مبارزین و کمک به سرکوب آنان - انجام داده اند، مأمور این کنترل میشوند و باز هم البته بهترین بهانه این است که با تبلیغ مبنی بر جلوگیری از پخش اعلامیه های "مضره" که باعث "تضعیف" روحیه میشود، عمل جاسوسی و کنترل را موجه جلوه دهند. بنابراین ملاقات کنندگان از این پس باید با تأئید ستاد فوق الذکر بعیادت آیند. یعنی اینکه برای عیادت بیماران خود باید از هفتخوان رستم بگذرند و کاملاً شناسائی بشوند و سپس بهنگام عیادت، افراد انجمنهای اسلامی بیمارستان-ها حق دارند آنان را تفتیش کنند و حتی بهمراه آنان تا آخرین لحظات باشند تا مبادا سخنی را که بر وفق مراد حکومتگران نیست، بر زبان آرند و البته این فقط مخصوص روزها نیست بلکه شبها نیز جاسوسان باید پاس بدهند. از خود می پرسیم مگر در این اوضاع وانفسا که هیچکس نمیتواند در شرایط خاموشی از منزل خود بیرون آید و اگر هم آمد مورد تفتیش پاس-داران سرمایه قرار می گیرد، کسی به ملاقات بیماری در بیمارستان میرود که این جاسوسان شبانه روز باید "خدمت" کنند؟ پس فقط تفتیش ملاقات کنندگان در میان نیست، بلکه از جمله هدف این است که هر صدای اعتراضی را در بیمارستان که از حلقوم بیماری جنگ زده در آمد، در گلو خفه سازند. آری زحمتکشان میهنمان از سوئی در زیر بمبارانهای هوائی ارتش عراق جان می بازند و زخمی و مصدوم می گردند و از سوی دیگر در بیمارستانها مورد تهاجم ارتجاع قرار می گیرند ●

بازهم ...

سیاسی به یکسال زندان و دو سال حبس تعلیقی محکوم کرده است. دست اندرکاران حکومت از آن جهت فرزندان خلق را ضمن حبسهای کوتاه و طویل المدت به حبس تعلیقی محکوم می کنند که اگر چنانچه پس از بسر آمدن دوران حبس بازهم همچنان آنان به خلق وفادار بوده و بمبارزه علیه رژیم سرمایه داران وابسته دست زدند، بازگردانیده آنان بزندان رسمیت یابد. یعنی اینکه بتوانند با استناد به حکم مرتجعانه قبلی بار دیگر مبارزین را به بند افکنند. از سوئی نیز گمان میبرند با اینگونه احکام میتوانند فرزندان خلق را از ادامه مبارزه باز دارند. اما این خیال عبثی است. فرزندان خلق را هراسی از احکام فرمایشی نیست.

ایرانشهر - در حالیکه گروه گروه معلمان و دبیران آگاه و مبارز مشمول "پاک سازی" شده و از کار اخراج میشوند، عده ای نیز بزندان و تبعید محکوم می گردند. از جمله اکبر حجازی دبیر دبیرستان خدمت ساکن ایرانشهر میباشد، اخیراً به "اتهام" قیام علیه "امنیت" کشور، یعنی در واقع روی آوردن به مبارزه علیه حکومت سرمایه داران، مبارزه ای که امنیت سرمایه داران را به خطر می اندازد، بمدت ۶ ماه بتبعید در نجف آباد اصفهان محکوم شده است. تبعید دبیران آگاه و مبارز وسیله ای است در دست حکومت-گران تا شاید بدین ترتیب دبیران مبارز در شهرهای دیگر سکوت اختیار کرده و در برابر حکومت سر تسلیم فرود آورند. اما برای مبارزین تفاوت ندارد که در کدام شهر باشند، چه هر شهر سنگری است برای مبارزه علیه حکومت.

شیراز - جبهه خواران حکومت جمهوری اسلامی برای آنکه از آگاه شدن

بقیه در صفحه ۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اخبار کردستان

سردشت ـ "۲۳/ ۷/ ۵۹ ـ فشار پاسداران و ارتشیان بر مردم شهر روز بروز بیشتر میشود . در این روز نیز عده زیادی ازمردم در اثر این فشار ها مجبور به ترک شهر گردیدند . پاسداران در تمام نقاط شهر پایگاه ایجاد کرده و منازل مردم رااشغال نموده اند . بازرسی منازل مرتباً ادامه دارد و عده زیادی تاکنون دستگیر گردیده اند . ارتش و پاسداران سعی می کنند بزور اسلحه از تخلیه شهرجلوگیری نمایند ولی تاکنون موفق به این کار نشده اند ."

کامیاران ـ "۲۱/ ۷/ ۵۹ ـ درساعت ۵ بعد ازظهر این روز ارتشیان و پاسداران و جاشها از گردنه "دولاب" و "قله عه والان" بسوی روستای "سرچی" حمله کردند ولی با مقاومت پیشمرگان کومه له و پیکار که درکوههای پشت روستای مذکور سنگر گرفته بودند روبروشدند .

در نبردی که بین پیشمرگان و نیروهای دشمن روی داد ،دشمن مجبور به عقب نشینی گردید ، پیشمرگان به تعقیب آنها پرداختند ودر ساعت ۱۰ شب کوههای پشت "دولاب" بدست پیشمرگان افتاد و آنهارو به گردنه "دولاب" و "قله عه والان" عقب نشینی کردند . در این نبردعده ای از ارتشیان و پاسداران و جاشها کشته و زخمی گردیدند . درساعت ٤ صبح روز بعد پیشمرگان کومه له و پیکار برای پاک کردن منطقه از وجود پاسداران و جاش یک بار دیگر از کوههای "سرچی" و "دولاب" بالا رفتند و به سنگرهای آنان حمله بردند ، مجدداً درنبردی سخت و قهرمانانه که تاساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت پیشمرگان قله "عه والان" و گردنه "دولاب" را پس گرفتند و دشمن بسوی "نشور" (آسیاو برق) عقب نشینی کرد .

دراین نبرد دشمن که روحیه خود رااز دست داده بود درتمام مدت درگیری روستاهای "سرچی" ، "تا" و "هنی من" و "کوله سارة" به پشتیبانی از پیشمرگان شعارمیداد . طی ماههائی که پیشمرگان در شهرکامیاران بودند این مادرقهرمان ازهیچگونه فداکاری در کمک بآنها دریغ نمیکرد و طی این مدت درمبارزه سیاسی برای بیرون راندن پاسداران ازشهرفعالانه شرکت داشت . بهمین دلیل سرکوبگران کینه ای عمیق از او بردل داشتند و سرانجام درروزه ۱/ ۷/ ۵۹ به اتهام همکاری باپیشمرگان دستگیر وپس از شکنجه های وحشیانه چند روز بعد به جوخه اعدام سپرده شد . اعدام این مادرقهرمان کینه و نفرت مردم منطقه رابرعلیه رژیم جمهوری اسلامی دوچندان کرده است .

پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت باتکیه برچنین گنجینه ای از حمایت وپشتیبانی توده هااست که این مبارزه عادلانه رادرجهت منافع زحمتکشان سرتاسرایران پیروزمندانه بپیش میبرند و بهمین دلیل هم شکست ناپذیراند .

نقل از:
خبرنامه کومه له ـ شماره ۸۵

آن تأمین مینمود . شهید ظریفه باجلانی یکی اززنان مبارز کامیاران بود که درجریان مبارزات مردم کامیاران برای جلوگیری ازعبورتانکها بسوی مریوان ، ازاولین کسانی بود که بهمراه دیگرمردم مبارز کامیاران دروسط جاده نشسته و مانع ازعبور تانکها گردید .

دردوره اول جنبش مقاومت همواره درپیشاپیش تظاهرات مردم به پشتیبانی از پیشمرگان شعارمیداد . طی ماههائی که پیشمرگان در شهرکامیاران بودند این مادرقهرمان ازهیچگونه فداکاری در کمک بآنها دریغ نمیکرد و طی این مدت درمبارزه سیاسی برای بیرون راندن پاسداران ازشهرفعالانه شرکت داشت . بهمین دلیل سرکوبگران کینه ای عمیق از او بردل داشتند و سرانجام درروزه ۱/ ۷/ ۵۹ به اتهام همکاری باپیشمرگان دستگیر وپس از شکنجه های وحشیانه چند روز بعد به جوخه اعدام سپرده شد . اعدام این مادرقهرمان کینه و نفرت مردم منطقه رابرعلیه رژیم جمهوری اسلامی دوچندان کرده است .

* * *

"رژیم جمهوری اسلامی شیرزن کامیارانی "ظریفه باجلانی" را اعدام نمود .

این شیرزن قهرمان خانه داربود و مادرچندین کودک یتیم ، دکه کوچکی در شهرکامیاران داشت و مخارج زندگی خود رااز طریق

ثروتها از یک جیب به جیب دیگر میروند !

بنیاد "مستضعفین" حراج می کند :

" ۱ ـ انواع فرشهای نفیس ایران
۲ ـ انواع فرشهای نفیس چین
۳ ـ انواع مبلمان
٤ ـ سرویسهای اطاق خواب ایرانی و خارجی
۵ ـ انواع لوستر
٦ ـ انواع تابلوهای نقاشی
۷ ـ ظروف تزئینی ....." !!

(روزنامه جمهوری اسلامی ۱٤ آبان ۵۹)

بدون هیچ توضیحی می پرسیم چه کسانی قادر به خرید چنین اجناس لوکس و نفیس هستند ؟ زحمتکشان یا سرمایه داران ؟

فقط یادآوری می کنیم که بنیاد "مستضعفین" تحت سرپرستی شخص نخست وزیر، آقای رجائی ، مقلد امام ، فرزند مجلس ، برادر رئیس جمهور !! انجام وظیفه می نماید !! ●

سرسپردگان ...

انقلابیون درهمه سطوح مشغول هستند ، ازادارات و مؤسسات گرفته تاکارخانه ها و دانشگاهها و ارگانهای جدید الولاده چون سپاه پاسداران، بنیاد "مستضعفین" ، دادگاههای "انقلاب" جهاد "سازندگی" ، "بسیج مستضعفین" وغیره . آری عمال حکومت شاه درهمه این ارگانها و نهادها لانه کرده اند و البته برپستهای بسیار برجسته ای هم تکیه زده اند . پس درخواست دادگاههای "انقلاب" برای دریافت اسناد ، بهانه ای بیش نیست برای اینکه "یاران" خود رااز معرکه نجات دهند و دست سرسپردگان رژیم شاه رابرای توطئه علیه خلق بازگذارند ●

پیش بسوی جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org